

نظری بر نمایش آثار مسعود کیمیایی در گالری گلستان

«قیصر» پشت سه‌پایه نقاشی!

پرده قرمزی

«زنگ تفریح» بهترین فیلم کوتاه جشنواره اندونزی شد

«زنگ تفریح» ساخته نوید نیکخواه آزاد برنده جایزه بهترین فیلم کوتاه جشنواره بین‌المللی فیلم کوتاه و عکاسی اندونزی شد.



به گزارش ایلنا، پنجمین دوره جشنواره بین‌المللی فیلم کوتاه و عکاسی «IPSMF» آذر (۲۷ نوامبر میلادی) به کار خود پایان داد و فیلم کوتاه «زنگ تفریح» ساخته نوید نیکخواه آزاد جایزه بهترین فیلم کوتاه داستانی این رویداد را کسب کرد.

این رویداد توسط دانشکده علوم ارتباطات و بازرگانی دانشگاه «تلکام» باندونگ سازماندهی شده بود. پنجمین جشنواره بین‌المللی فیلم کوتاه و عکاسی «IPSMF» از ۲۵ تا ۲۷ نوامبر ۲۰۲۱ در باندونگ اندونزی بر خط برگزار شد.

فیلم کوتاه «زنگ تفریح» بانام بین‌المللی «The Recess» شصت و یک حضور جهانی را پشت سر گذاشته و هشت جایزه جهانی کسب کرده است. این فیلم به تازگی در بخش مسابقه هفتاد و پنجمین جشنواره بین‌المللی سالرنو در ایتالیا و به عنوان نماینده ایران در بخش مسابقه جشنواره بین‌المللی «آلمریا» و پنجاهمین جشنواره بین‌المللی کارناخا اسپانیا حضور داشت. موزان کردی در نقش سحر، رحیم‌پور نبی‌پان در نقش طهورا، نیلوفر شکوهی‌نیا در نقش آیدا، غزل خلیلی در نقش سارا با یگران این فیلم کوتاه هستند. «زنگ تفریح» به نویسندگی، تهیه‌کنندگی و کارگردانی نوید نیکخواه آزاد ساخته شده و محصول شرکت پخش بین‌المللی «شمید فیلم» است.

گردشگری

در گفت‌وگو با ایلنا مطرح شد:

سفر ۲۵ روزه ایرانیان از عمان به ایران ساختگی است

نا یب رئیس جامعه تورگردانان ایران در خصوص تبلیغاتی که به تازگی در خصوص سفر ۲۵ روزه ایرانیان از عمان به ایران مطرح شده است، گفت: چنین چیزی وجود ندارد و ساختگی است. در واقع شیطنت است. قبل از شیوع ویروس کرونا نشست‌های مختلف با فعالان گردشگری عمان داشتیم. ضمن آنکه دانفهمه عمانی‌ها برای سفر به ایران با سایر گردشگران تفاوت دارد. آن‌ها بیشتر به منظور گردشگری سلامت و طبیعت‌گردی به ایران سفر می‌کنند.



سیدمحمدعلی اشرف اصفهانی در گفت‌وگو با ایلنا افزود: گردشگران عمان بیشتر برای درمان بخصوص در حوزه عمل چشم به ایران سفر می‌کنند و در موارد دیگر نیز برای استفاده از طبیعت ایران سفر می‌کنند. بعید می‌دانم که تور فرهنگی از عمان به ایران بیاید از این رو می‌توان گفت، تورهای عمان به ایران ارزان نیست. وی با اشاره به اینکه همچنان چانه‌زنی بر سر قیمت تورهای ورودی به ایران با ارائه دهندگان خدمات ادامه دارد، یادآور شد: اگر اتفاق جدیدی نیفتد، گردشگری رونق خواهد گرفت.

موسیقی

دستور حذف آثار مهدی یراحی از سایت‌های داخلی

دستور حذف آثار «مهدی یراحی» از سایت‌ها و رسانه‌های داخلی از سوی کارگروه تعیین مصداقی و محتوای مجرمانه صادر شد. به گزارش برترین‌ها، بهمن بابازاده، خبرنگار حوزه موسیقی در کانال تلگرامی خود نوشت: دستور حذف آثار «مهدی یراحی» از سایت‌ها و رسانه‌های داخلی از سوی کارگروه تعیین مصداقی و محتوای مجرمانه صادر شد.



عکس: مهدی آزادی

اما فاسل از این مبالغه‌گویی‌های گلستان و واکنش‌ها و انتقادهای آدامسعود کیمیایی‌رامی‌توان‌نقاش هم‌تصور کرد؟ آیا آثار او آن‌گونه هستند که مخاطب خود را شگفت‌زده کنند یا این که این نام مسعود کیمیایی است که بر این نقاشی‌ها سوار شده و آنها را مورد توجه قرار داده است؟

شده بود. به نظر بسیاری از منتقدان این نمایش، ارقام بالا برای نقاشی‌های فردی مثل مسعود کیمیایی غیر قابل قبول و غیر منطقی به نظر می‌آید. لیلی گلستان بعد از این در مصاحبه‌ای با «خبر آنلاین» اعلام کرد که: «برای مسعود هر وقت بخواهد، در کمال پارتی‌بازی نمایشگاه می‌گذارم.» لیلی گلستان در همین مصاحبه اعلام کرده است که نقاشی‌های مسعود کیمیایی او را حیرت‌زده کرده است. چرا که بعد از پنجاه سال دوستی با کیمیایی، با این نقاشی‌ها مواجه شده و کارهای او را سراسر تخیل و رنگ دیده است. از طرفی گلستان گفته بود: «این نقاشی‌ها برای من مهم است چون متعلق به آدم‌بزرگی در سینمای ایران است.»

نمایشگاه‌مانند هر جریان و اتفاق دیگری مورد انتقاد شدید و تند بسیاری از فعالان در عرصه هنرهای تجسمی قرار گرفت تا جایی که لیلی گلستان مجبور شد در مصاحبه‌ای نسبت به این سوگیری‌ها واکنش داشته باشد. مسئله از آنجایی شروع شد که آثار مسعود کیمیایی بدون نوبت نمایش و به یکبار در محل گالری گلستان روی دیوار رفت. این در حالی است که آوردن حالا پس از خلق فیلم‌های متعدد و نگارش رمان و داستان به خلق تصویر نقاشانه نیز روی آورده است.

علیرضا پخش استوار

مسعود کیمیایی، کارگردان نام‌آشنای سینما، نقاشی‌های خود را در گالری گلستان به نمایش درآورده است. خالق فیلم‌های سینمایی مطرح تاریخ سینمای ایران و یکی از افرادی که موج نوی سینمای ایران را به وجود آوردند حالا پس از خلق فیلم‌های متعدد و نگارش رمان و داستان به خلق تصویر نقاشانه نیز روی آورده است.

ادبیات

چهار خیابانی که ماجرایش تمامی ندارد!

مهدی آذریدی، کوچه پنجم مجاور خیابان حجاب به نام استاد هوشنگ مرادی کرمانی، و کوچه هفتم در خیابان حجاب به نام استاد جبار باغچه‌بان نام‌گذاری شود. هوشنگ مرادی کرمانی که تنها حاضر این جمع است آن زمان در واکنش به این اقدام گفت: کار بسیار خوبی کرده‌اند ولو این که عده‌ای مخالف باشند. همه این افراد حاصل سختی، رنج، تلاش و کوشش هستند. آن‌ها بار فرهنگی جامعه را پیش بردند. اگر نگوئیم بیشتر از سربازی که جانش را در راه وطن گذاشته که مردم راحت باشند، به همان اندازه قابل احترام و دوست‌داشتنی هستند. این افراد شهید فرهنگی هستند.

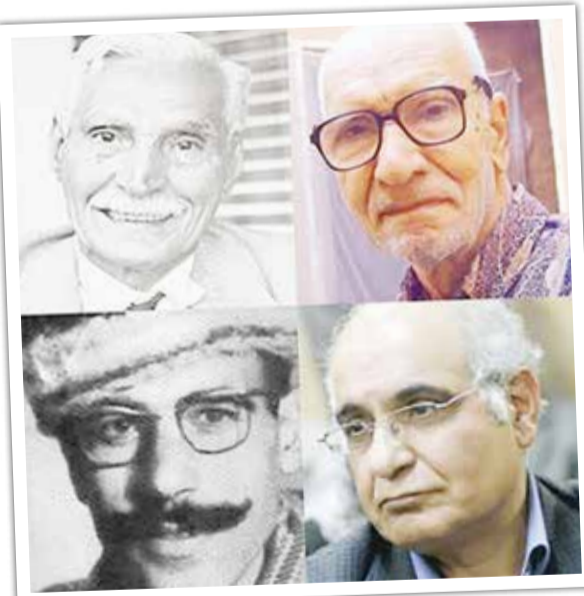
اما چندی نگذشت که اعلام شد هیات تطبیق فرمانداری تهران نام‌گذاری معابری به اسم بزرگان آموزش و ادبیات کودک و نوجوان ایران از جمله: جبار باغچه‌بان، مهدی آذریدی، صمد بهرنگی و هوشنگ مرادی کرمانی را غیرقانونی خواند. محمدجواد حق‌شناس، عضو شورای شهر تهران، نسبت به این موضوع واکنش نشان داد و در تذکری خواست هیات تطبیق برای شورای شهر در انجام وظایف قانونی ناشی از اختیارات مطرح در قانون مانع تراشی نکنند. در پی این اتفاق انجمن نویسندگان کودک و نوجوان با انتشار بیانیه‌ای نسبت به این ماجرا واکنش نشان داد و نوشت: «انجمن نویسندگان کودک و نوجوان، نه فقط نظر سلیقه‌ای هیئت تطبیق فرمانداری تهران را غیرقابل قبول می‌داند، بلکه بر این باور است که چنین اعمال سلیقه‌های غیر فرهنگی، پاسخی در خور از مردم و به‌ویژه نسل جدید خواهد گرفت. تن دادن جامعه به این قبیل تصمیم‌های زیان‌بار، هم به شهر و مردم آسیب می‌زند و هم به هویت جمعی و منافع ملی.»

هوشنگ مرادی کرمانی هم در پی این اتفاق گفت: دیدید ما چهار تار را در کردند و کسی هم صدایش در نیامد. اگر از نسل ما، ما چهار نفر را کنار بگذارند، چه می‌ماند؟ بقیه‌اش کو؟ ما هر کدام سبک و موقعیتی برای خود داریم که متفاوت از هم است. با

بیشتر نمادهایی است که عناصر اصلی فیلم‌هایش را تشکیل می‌دهد. مانند تصویر چاقوی ضامن‌دار در کنار یک پروانه بر بوم یا پرتره‌ای از «صادق هدایت» که البته باز به دلیل المان‌هایی که از او در تصویر گذاشته است می‌توان متوجه این اتفاق شد.

این که قصد کیمیایی از کشیدن این نقاشی‌ها چه بوده نکته‌ای است که باید خودش پاسخگوی آن باشد اما حاصل کار مسعود کیمیایی در نهایت تصویری نامکشوف از کلیدهای ذهنی این هنرمند در نسبت با دیگر فضاهای هنری او به دست می‌دهد.

نقاشی‌های او انگار نقش خیال‌انگیز ناخودآگاه مسعود کیمیایی است که در آن همواره المان‌ها و تصاویری گنجانده می‌شود که مربوط به دوره‌ای خاص از تاریخ این کشور و فرهنگی است که دوران آن به سر آمده است. همان‌گونه که شاید دوران خود مسعود کیمیایی هم به سر آمده و او دیگر نمی‌تواند همراه و همگام خدادهای روز جامعه خود باشد. کیمیایی با دغدغه‌هایی که در آثار نقاشانه‌اش به تصویر کشیده است هر چه بیشتر بر فاصله خود با جامعه امروزش صحنه می‌گذارد. اگر چه در برخی از آثار خود تلاش کرده تا احساس خود در مواجهه با زندگی را به نمایش در بیاورد. مثلاً یکی از تابلوهای او که در آن پرتره‌ای را در میان یک گردباد سیاه غلیظ می‌بینیم شاید مودی باشد از انعکاس دوران اثر مسعود کیمیایی، اما آنچه از کلیت این آثار برمی‌آید نمود دغدغه‌های شخصی او به تاریخ و فرهنگ و هنر این کشور است و نه مواجهه‌های منتقدانه با وجوه گسترده رنج انسان امروز. نمایش آثار او البته مورد توجه گلستان پریاست.



توجه به این که شورای شهر بر این مسأله تأکید داشت، نمی‌دانم با چه مصلحتی قبول نکردند. چندی بعد از این ماجرا عکس‌هایی منتشر شد که از پایان ماجرای نام‌گذاری این چهار خیابان و کوچه نشان داشت و معابر یادشده به نام این چهار چهره آموزش و ادبیات کودکان و نوجوانان پلاک‌کوبی شده بودند. اما حالا باز ورق برگشته و نام این خیابان‌ها دوباره عوض شده است.

